

بررسی پاره ای از مهمّترین موارد اختلاف بین مذاهب پنجگانه فقهی در باره نماز

دکتر منصور امیرزاده جیرگلی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تربت حیدریه
خورشید مهدیزاده جیرگلی

◆ چکیده:

با توجه به کثرت موارد اختلاف بین شیعه و سنی در مبحث نماز، در مقاله حاضر ۱۲ مورد از مهمّترین موارد اختلاف بین مذاهب پنجگانه فقهی (امامیه، جعفری، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) را در باره نمازهای واجب یومیّه از قبیل اوقات نماز، اذان و اقامه، تکتّف و ... مورد بررسی قرار داده و نظرات فقهای پنج مذهب را به تفکیک آورده ایم .

هدف از نگارش این مقاله، آشنایی با موارد اختلاف و بیان نظرات فقهای مذاهب خمسّه در موارد اختلافی مسأله نماز می باشد و به لحاظ رعایت اختصار، غالباً از ذکر ادلّه مربوط به هر مذهب صرف نظر نموده ایم .

روش کار ما در این پژوهش، بدین صورت است که پس از طرح مسأله، ابتدا قول امامیه، سپس اقوال مذاهب اربعه اهل سنت را آورده و از منابع معتبر فقهی فریقین از قبیل الخلاف شیخ طوسی، المعنی ابن قدامه، الفقه علی المذاهب الاربعه جزیری، الفقه علی المذاهب الخمسه استاد مغنیه و ... بهره برده ایم .

در خاتمه نوشتار با عنوان «اتحاد بین مذاهب اسلامی»، داستان منازعت چهار مسکین را از کتاب مشنوی آورده و نتیجه گرفته ایم که: فی الواقع، حقیقت یکی است و باید درصدد رفع اختلاف و ایجاد اتحاد بین مسلمانان بویژه پژوهشگران و دانشجویان باشیم.

کلمات کلیدی: فقه تطبیقی (مقارن) - نماز - اختلاف - مذاهب خمسّه .

مقدمه :

فقه، علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیلهای تفصیلی آنهاست. محقق حلی (متوفی به سال ۶۷۶) در کتاب شرایع، مباحث فقهی را در ۴ مبحث به این شرح آورده است: ۱- عبادات؛ ۲- عقود؛ ۳- ایقاعات؛ ۴- احکام. نماز و مسائل مربوط به آن، در این تقسیم بندی جزء عبادات (فقه عبادی) قرار می گیرد و نوعاً در ابتدای کتب فقهی، بعد از طهارت، مبحث نماز مطرح می شود. جمع آوری آرای فقهای اسلامی در مسائل مختلف فقهی در یک مجموعه مُدَوَّن، با موازنه یابدون موازنه، از قرن پنجم هجری توسط سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶)، شیخ طوسی (م ۴۶۰) و دیگران آغاز گردید و تا کنون نیز این شیوه، ادامه دارد. در گذشته به این رشته از دانش، فقه خلافی یا علم خلیقات گفته می شد و امروزه، به آن فقه تطبیقی یا فقه مقارن، اطلاق می گردد. با عنایت به کثرت موارد اختلاف بین شیعه و سنی در مبحث نماز، در این مقاله، ۱۲ مورد از مهمترین موارد اختلاف بین مذاهب پنجگانه فقهی (امامیه، جعفری، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) را در باره نمازهای واجب یومیّه، مورد بررسی قرار داده و از منابع فقهی فریقین (شیعه و سنی) و کتبی که در زمینه فقه تطبیقی (مقارن) نوشته شده از قبیل الخلاف شیخ طوسی، الفقه علی المذاهب الاربعه عبد الرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الخمسه استاد مغنیه و...، استفاده نموده ایم. گفتنی است در این نوشتار، مطالب بحث برانگیزی چون «وضوء» را نیاورده و به منظور رعایت اختصار و پرهیز از اطاله کلام، ادله مربوط به هر مورد را غالباً بیان نکرده ایم.

۱- اوقات نماز:

یکی از مقدمات نماز، وقت شناسی است و شخص نماز گزار باید اوقات نمازهای پنجگانه و سایر نمازها را بشناسد و بر طبق آن عمل کند. مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند که نماز خواندن قبل از داخل شدن در وقت آن، جایز نیست (الخلاف، ۱/ ۲۵۵؛ مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۷۹؛ جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۱۸۰). قرآن کریم، در آیاتی که بر وجوب نماز صراحت دارد، وقت نماز را دقیقاً معلوم نکرده است. به همین خاطر برخی از دانشمندان اسلامی برای شناختن دقیق اوقات نماز، دنبال علمی چون هیأت، ریاضی و مثلثات می روند تا بتوانند اوقات نماز را تعیین کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: **أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَيَّ غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآن**

الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا. (سوره ابراهیم (۱۷) / ۷۸)

تذکره: آخر وقت نماز ظهر برای مسافر، به مقدار ۲ رکعت به غروب مانده است. این حکم در کلیه نمازهای چهار رکعتی جاری است.

ترجمه: نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به یاد آرونماز صبح را نیز به جای آر که آن به حقیقت، مشهود نظر فرشتگان شب و روز است.

جوهری گوید: دلوک یعنی زوال. دلکت یعنی زالت، و گفته شده: دلوک یعنی غروب (صاح اللغة، ۴ / ۱۵۸۴، ذیل ماده دلک). اما عَسَقَ یعنی اول تاریکی شب. العاسق: اللیل اذا غاب الشفق (عمان، ۴ / ۱۵۳۶ - ۱۵۳۷، ذیل ماده عسق). گفته شده که عَسَقَ اللیل یعنی شدت تاریکی شب بنابراین این معنا، عَسَقَ در معنای نصف شب کاربرد دارد.

* منظور از وقت در این مقاله، وقت نمازهای پنجگانه (ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح) است. از آنجایی که نماز ظهر، اولین نمازی است که واجب شده (مغنی، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۷۹)، مطالب را از نماز ظهر شروع و به نماز صبح، ختم می نمایم.

وقت نماز ظهر:

شیعه به استناد آیه شریفه « اقم الصلوة لدلوك الشمس ... » آغاز وقت نماز ظهر را ذلوك شمس (دلوك یعنی زوال. اگرچه موقع ظهر شرعی، خورشید در آسمان هست ولی چون رو به غروب است به همین خاطر مجازاً گویند: زوال خورشید) یعنی زوال خورشید از آسمان می داند. شیخ بهایی گوید: آغاز وقت نماز ظهر، با زیاد شدن سایه شاخص است پس از آنکه به نهایت کوتاهی رسیده باشد (مانند ایران و عراق)، یا ظاهر شدن سایه است پس از آنکه بکلی برطرف شده باشد (مانند مکه)، و این وقت را زوال می نامند (شیخ بهایی، جامع عیسی، ص ۳۸). به بیان دیگر: طبق نظر شیعه، آخر وقت ظهر، تا قبل از مقدار ۴ رکعت نماز به غروب آفتاب است (این زمان برای خواندن نماز عصر می باشد) (تحرییر الوسیله، ۱ / ۱۳۸؛ الخلاف، ۱ / ۲۵۷ (مسأله ۴))

مذاهب اربعه گویند: آغاز نماز ظهر از زوال خورشید بوده و پایان وقت نماز ظهر، زمانی است که سایه هر چیز همانند خود آن چیز گردد (الخلاف، ۱ / ۲۵۶، مسأله ۳؛ ابن قدامه، المغنی، ۱ / ۳۷۹ - ۳۸۱)

(باب المواقیئ)؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۷۹؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۱۸۳). مالکیه گویند: این وقت، وقت اختیاری است اما وقت ضروری از دخول وقت عصر اختیاری است و تا وقت غروب، استمرار دارد (دو مآخذ پیشین). استاد مغنیه در این باره گوید: مضطرّ، وقت ظهر را تا بعد از امتداد سایه شیء به اندازه خودش ادامه می دهد.

وقت نماز عصر: ابن قدامه گوید: طبق قول اکثر علما، اعمّ از اصحاب پیامبر و غیر اصحاب پیامبر، منظور از صلاة الوُسطی در آیه شریفه «حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوُسطی»، نماز عصر می باشد. (نک: المعنی، ۱/ ۲۸۷)

شیعه گوید: اول وقت نماز عصر، پس از گذشتن مقدار ۴ رکعت نماز از هنگام زوال خورشید است و آخر وقت عصر، وقتی است که تا غروب آفتاب، به مقدار خواندن نماز عصر، وقت باقی باشد (جامع عباسی، ص ۲۸). به عبارت دیگر، خواندن نماز عصر، هنگام غروب آفتاب، اداء، درست نیست. ابوحنیفه، بین آخر وقت نماز ظهر و اول وقت نماز عصر، فاصله انداخته و معتقد است: آخر وقت نماز ظهر، همانندی سایه بوده و اول وقت نماز عصر همان دو برابری سایه شیء است (الخلاف، ۱/ ۲۵۷ و ۲۶۰؛ المعنی، ۱/ ۳۸۴). در کتاب الهدایه آمده: اول وقت نماز عصر، از آخر وقت نماز ظهر شروع می شود و آخر وقت عصر، تا زمانی است که خورشید غروب نکرده است. (نک: الهدایه فی شرح البدایه، ۱/ ۷۷) مالکی در این مورد نیز قائل به تفصیل است و گوید: نماز عصر دو وقت دارد: ۱- ضروری؛ ۲- اختیاری. وقت اختیاری آن از اضافه شدن سایه از اندازه خودش شروع می شود و تا زردی خورشید استمرار دارد (الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۸۰؛ المعنی، ۱/ ۳۸۵)، و وقت ضروری نماز عصر از زرد شدن خورشید تا غروب آفتاب است.

وقت اختصاصی و مشترک نماز ظهر و عصر:

وقت اختصاصی نماز ظهر، اول زوال خورشید به مقدار ۴ رکعت است (الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۷۹؛ الخلاف، ۱/ ۲۵۷)

وقت اختصاصی نماز عصر، مقدار ۴ رکعت نماز از پایان وقت می باشد، به عبارت دیگر به مجرد تمام شدن نماز، آفتاب، غروب می کند (عمان) مابین این دو وقت، بین نماز ظهر و عصر،

مشترک است. (همان)

وقت نماز مغرب :

شیعه گوید: اول وقت نماز مغرب (نماز شام)، هنگام غروب آفتاب است. به تعبیر دقیق تر، هنگام رفتن سرخی به طرف مشرق - که به غروب آفتاب دلالت می کند - وقت نماز مغرب است (جامع عباسی، ص ۳۸؛ الخلاف، ۱/ ۲۶۱). اهل سنت در آغاز وقت نماز مغرب با یکدیگر اختلافی ندارند و به اتفاق آراء، آغاز وقت مغرب را غروب خورشید می دانند (المغنی، ۱/ ۳۹۰).

از نظر شیعه پایان نماز مغرب، مقدار ۴ رکعت به نصف شب مانده، است و به قول شیخ طوسی «آخره اذا غاب الشفق» (در معنای شفق بین دانشمندان اختلاف است برخی مانند ابوحنیفه شفق را به معنای بیاض و بعضی دیگر شفق را به معنای قرمزی آسمان دانسته اند مانند شافعی و مالکی. نک: الخلاف، ۱/ ۲۶۱ - ۲۶۳؛ ابن قدامه، المغنی، ۱/ ۳۹۲) و هو الخمره (الخلاف، ۱/ ۲۶۱، مسألة ۶) یعنی: پایان مغرب، رفتن شفق (سرخی مغربی) است.

ابوحنیفه و شافعی آخر وقت مغرب را هنگام پنهان شدن شفق (سفیدی) از طرف مغرب می دانند (همان؛ المغنی، ۱/ ۳۹۲ - ۳۹۴؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۸۰. ابوحنیفه، شفق را به معنای سفیدی دانسته و ناپدید شدن سفیدی را که بعد از قرمزی در افاق می آید، آخر وقت مغرب می داند. الهدایة فی شرح البدایة، ۱/ ۷۸).

مالک معتقد است که وقت مغرب، مضیق است و از اول غروب به مقدار وقتی که برای طهارت و اذان و نماز مغرب لازم باشد، وقت نماز مغرب است (دکتر گرجی گوید: مالک، در این باب ۳ قول ذکر شده است: ... نک: مقالات حقوقی، ۲/ ۲۵). احمد بن حنبل معتقد است وقت مغرب تا پنهان شدن شفق امتداد دارد. شافعی برای نماز مغرب فقط یک وقت قائل است که همان غروب خورشید است (الخلاف، ۱/ ۲۶۱؛ الأم، ۱/ ۹۲، مئنی المحتاج، ۱/ ۱۲۳. در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة، قول شافعی با قول حنبلی ها، یکی است. نک: الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۸۰).

وقت نماز عشاء :

شیعه، آغاز وقت نماز عشاء (خفتن) را مقدار ۳ رکعت از مغرب رفته، می داند (حریر الوسیلة، ۱/ ۱۳۸؛ جامع عباسی، ص ۳۸). مذاهب اربعه در آغاز وقت عشا با یکدیگر متفق القول هستند و گویند: آغاز وقت نماز عشا، پنهان شدن شفق است (الخلاف، ۱/ ۲۶۲؛ المغنی، ۱/ ۳۹۲).

قول مشهور شیعه این است که پایان وقت نماز عشا، هنگام نیمه شب شرعی (شب شرعی) به فاصله

میان مغرب تا اذان صبح را گویند) است یعنی حدود ساعت یازده و ربع (حریر الوسیله، ۱/ ۱۳۸). شیخ طوسی، پایان وقت عشا را ذهاب ثلث شب می داند (شیخ طوسی، عبارت نصف شب و تا طلوع فجر را برای پایان وقت عشا، با کلمه «رُوی» آورده است. الخلاف، ۱/ ۶۵).
 حنیفه، آخر وقت عشا را برای انسان مختار، نیمه شب و برای مضطر، طلوع فجر می داند (همان؛ المعنی، ۱/ ۳۹۲-۳۹۳).

پیشوای مذهب حنفی گوید: تأخیر نماز عشا تا قبل از ثلث شب، مستحب و تا نصف شب، مباح (جایز) و تا نصف اخیر شب (یعنی تا طلوع فجر صادق)، مکروه است (نک: الهدایه فی شرح البدایه، ۱/ ۷۹-۸۰).
 شافعی، پایان نماز عشا را برای مختار، ثلث یا نیمه شب دانسته و برای مضطر، طلوع فجر می داند (الخلاف، ۱/ ۲۶۵؛ المعنی، ۱/ ۳۹۳-۳۹۴؛ نووی، المجموع، ۳/ ۳۹).

از نظر مالک، وقت اختیاری نماز عشا، تا پایان یافتن ثلث اول شب و وقت ضروری آن تا طلوع فجر است (الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۱۸۴. دکتر گرجی، ۳ قول برای مالک آورده است. نک: مقالات حقوقی، ۲/ ۲۵).
 حنبله نیز مانند مالک معتقدند که نماز عشا دو وقت دارد: ۱- اختیاری؛ ۲- ضروری. وقت اختیاری آن تا سپری شدن ثلث اول شب است و وقت ضرورت آن از اول ثلث دوم شب تا طلوع فجر می باشد (الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۱۸۴).

وقت مختص و مشترک مغرب و عشا

از نظر شیعه، وقت مختص نماز مغرب، مقدار ۳ رکعت از اول مغرب و وقت مختص نماز عشا، مقدار ۴ رکعت به نیمه شب مانده است. مابین این دو وقت، بین مغرب و عشا، مشترک است.

وقت نماز صبح :

صاحب مجمع به استناد آیه شریفه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» (اسراء (۱۷) / ۷۸)، گوید: وقت نماز صبح به تنهایی با تعبیر قرآن الفجر بیان شده است (مجمع البیان، ۴/ ۲۸۲-۲۸۳). شیخ طوسی گوید: مذاهب پنجگانه در آغاز وقت نماز صبح، با یکدیگر اختلافی ندارند و همگی طلوع فجر ثانی (سیده صبح، صبح صادق، فجر صادق) (فجر صادق، عبارت از سفیدی است که بار دوم در افق شخص نمازگزار ظاهر می شود و در سطح آسمان بخش می گردد. به

سفیدی بار اول که به شکل دم رویاه است و در سطح آسمان پخش نمی‌شود، فجر کاذب می‌گویند. فجر کاذب، اعتباری ندارد. شهید ثانی، شرح کعبه، ۱/ ۱۷۹ (پاورقی شماره ۲)؛ جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۱۸۵ را اول وقت صبح می‌دانند. اما آخر وقت صبح در نزد شیعه امامیه، دو وقت است: ۱- وقت انسان مختار تا روشن شدن هوا و شناختن صورت مردم؛ ۲- وقت انسان مضطر تا طلوع خورشید (شیخ طوسی، الخلاف، ۱/ ۲۶۷، مسأله ۱۰، کتاب الصلاة. دکتر گرجی با آوردن عبارت «و بعضی به شیعه نسبت داده اند که پایان وقت صبح برای مختار...» در انتساب آن به شیعه، تردید می‌نماید. نک: مقالات حقوقی، ۲/ ۲۵. این تفصیل در کتب فقهی دیده نشد).

قول مشهور فقهای اسلامی آن است که اول وقت نماز صبح، برآمدن فجر صادق و پایان آن طلوع خورشید است (استاد مغنیه این قول را قول اتفاق همه مذاهب اسلامی جز مالکیه می‌داند: نک: الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۸۱. بارودی از علمای اهل سنت، در اول وقت نماز صبح «طلوع فجر دوم»، ادعای اجماع کرده است. نک: براق المسامع، کتاب الصلوة (به نقل از: عارف نژاد، ترجمه براق المسامع و تطبیق آن با فتاوی شیعه، ص ۳۳، «پایان نامه کارشناسی ارشد»). اکثر فقهای شیعه، پایان وقت نماز صبح را طلوع خورشید می‌دانند (شیخ بهایی، جامع عباسی، ص ۲۷؛ محقق حلّی، شرائع الاسلام، ۱/ ۵۱؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ۱/ ۱۲۵، مسأله ۶)؛ شرح لعمه، ۱/ ۱۸۰). حنفیه، حنابله و مالکیه معتقدند پایان وقت صبح، طلوع خورشید است و شافعیه قول به تفصیل را پذیرفته اند (ابن قدامه، المغنی، ۱/ ۳۹۵؛ شیخ طوسی، الخلاف، ۱/ ۲۶۷؛ شافعی، الأم، ۱/ ۹۳؛ نووی، المجموع، ۳/ ۴۳؛ شربینی، مغنی المحتاج، ۱/ ۱۲۴؛ سرخسی، المبسوط، ۱/ ۱۴۱-۱۴۲؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۱۸۵).

در «الفقه علی المذاهب الخمسه» گوید: مالکی، گفته: برای صبح دو وقت است: ۱- اختیاری، از طلوع فجر تا شناختن صورت مردم؛ ۲- وقت اضطراری، از شناختن صورت مردم تا طلوع خورشید (الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۸۱. همچنین، نک: جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۱۸۵؛ المرطاً، ۱/ ۷-۱۱).

اوقات فضیلت نماز:

اوقات فضیلت نماز از نظر شیعه عبارتند از:

- ۱- وقت فضیلت نماز ظهر از نیمروز تا رسیدن شاخص به اندازه خود.
- ۲- وقت فضیلت نماز عصر رسیدن سایه شخص یا شاخص به دو برابر خود.
- ۳- وقت فضیلت نماز مغرب از اول مغرب تا رفتن شفق (سرخ مغربی).
- ۴- وقت فضیلت نماز عشا از اول رفتن شفق تا یک سوم شب.

۵- وقت فضیلت نماز صبح از اول سپیده صبح است تا پدیدار شدن سرخی مشرقی (تحریر الوسیله، ۱۳۸۱)

۲- جمع بین نمازها:

شیعه، با هم خواندن نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا را در سفر و حضر، با عذر یا بدون عذر، در عرفات و غیر آن جایز می داند.

طبرسی در مجمع البیان آورده: خدای سبحان وقت نمازهای چهارگانه را از نیمه روز تا پاسی از شب قرار داده الا اینکه نمازهای ظهر و عصر در وقت خود از ظهر تا مغرب و نمازهای مغرب و عشا در وقت خود از مغرب تا نیمه شب مشترکند (مجمع البیان، ۴/ ۲۸۳).

امام فخر رازی، عَسَق را به معنای آشکار شدن ابتدای تاریکی دانسته (التفسیر الکبیر، ۲۱/ ۲۵-۲۶) (عَسَق اللَّیْل یعنی اول غروب) و این می رساند که همراه خواندن این نمازها، از نظر وی جایز است. حنفی ها همراه خواندن نمازهای چهارگانه را جز در عرفات و مشعر الحرام جایز نمی دانند و سه مذهب دیگر (شافعی، مالکی و حنبلی) همراه خواندن نماز را در سفر جایز می دانند (علامة سید عبدالحسین شرف الدین، مسائل فقهیه، ص ۱۵ (به نقل از: معروف حسنی، تاریخ فقه جعفری، ۱/ ۴۸) * نظر شیعه از ظاهر آیه، دور نیست.

۳- اذان و اقامه

یکی از احکامی که در همان سال اول هجری، صدور یافته و ابلاغ شده، حکم اذان است (شهابی، محمود، ادوار فقه، ۱/ ۱۵۲). اذان در لغت یعنی اعلام، و در شرع، نام آذکاری است که برای اعلام به دخول وقت نماز، وضع گردیده است (محقق حلّی، المعتمد، ۲/ ۱۲۲؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۳۱۰). اکثر فقهای اسلامی، اذان گفتن قبل از دخول وقت را برای نماز، جایز نمی دانند. شافعی، مالکی، حنابله و بسیاری از فقهای امامیه، اذان گفتن برای نماز صبح را قبل از دخول وقت، جایز دانسته ولی ابوحنیفه، آن را منع کرده و فرقی بین نماز صبح و غیر آن، نگذاشته است (الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ شرائع الاسلام، ۱/ ۶۵؛ جواهر الکلام، ۹/ ۷۷).

حکم اذان:

اکثر فقها معتقدند: اذان، سنت مؤکد است (تحریر الوسیله، ۱/ ۱۳۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۰۱).

شیخ بهایی قول شیعه را اینگونه آورده است: «... اذان گفتن، سنت مؤکد است... بعضی از مجتهدین... اذان را برای هر یک از نمازهای پنجگانه واجب می‌دانند...» (جامع عباسی، ص ۳۹).
 شیخ طوسی گوید: اذان و اقامه، از نظر ما (امامیه) سنت است و دلیل بر وجوب آن در آیات و روایات نداریم (الخلاف، ۱/ ۲۸۴ - ۲۸۵). برخی از فقهای امامیه، اذان را در نماز جماعت، واجب می‌دانند و ترک آن را جایز نمی‌شمارند (شیخ مفید، المقننه، ص ۹۷؛ شیخ طوسی، المبسوط، ۱/ ۹۵؛ شرائع الاسلام، ۱/ ۶۴).

شافعی و حنفی نیز مانند امامیه، اذان گفتن را در نماز فردای، سنت و در نماز جماعت، سنت مؤکد می‌دانند (المجموع، ۳/ ۸۲؛ بدایه المجتهد، ۱/ ۸۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۰۱).
 حنبله گویند: اذان گفتن در روستاها و شهرها برای نمازهای پنجگانه برای مردان در حضر - نه در سفر - فرض کفایی است (همان؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۲۱۳).
 مالکی گوید: اذان گفتن، سنت کفایی است، اما در شهری که نماز جمعه اقامه می‌شود، اذان گفتن، واجب کفایی است (شهادتین بر لب جاری کردن یعنی گفتن اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله. پس اشهد ان علیاً حجة الله، یا اشهد ان محمداً وآله خیر البریه، جزء اذان و اقامه نیست اما گفتن آن از باب قصد قربت، خوب است. نک: شرح کلمه، ۱/ ۲۴۰؛ جواهر الکلام، ۹/ ۸۸؛ رساله ترمذی، ۱/ ۱۲۷).

شکل اذان:

مشهور فقهای امامیه، معتقدند اذان دارای ۱۸ فصل به این شرح است: الله اکبر (۴ بار)؛ اشهد ان لا اله الا الله (۲ بار)؛ اشهد ان محمداً رسول الله (۲ بار) (الخلاف، ۱/ ۲۷۸؛ جواهر الکلام، ۱/ ۸۱؛ شرح کلمه، ۱/ ۲۳۹)؛ حی علی الصلوة (۲ بار)؛ حی علی الفلاح (۲ بار)؛ حی علی خیر العمل (۲ بار)؛ الله اکبر (۲ بار)؛ لا اله الا الله (۲ بار) (الخلاف، ۱/ ۲۷۸؛ مسألة ۱۹).
 برخی از فقهای شیعه، تکبیر اخیر را ۴ مرتبه گفته که طبق این قول، فصول اذان، ۲۰ فصل می‌شود (المغنی، ۱/ ۴۲۰؛ بدایه المجتهد، ۱/ ۸۸ - ۸۹؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۳۱۲).

اهل سنت، «حی علی خیر العمل» را جزء اذان و اقامه نمی‌دانند (الخلاف، ۱/ ۲۷۸؛ المغنی، ۱/ ۴۱۶). شافعی، فصول اذان را در غیر نماز صبح ۱۹ و در اذان صبح ۲۱ فصل می‌داند (طبق عقیده شافعی، شهادتین با ترجیح است. نک: الخلاف، ۱/ ۲۷۸؛ مسألة ۱۹؛ المغنی المحتاج، ۱/ ۱۳۵ - ۱۳۶؛ سرخسی، المبسوط، ۱/ ۱۲۸؛

بداية المجتهد، ۸۸/۱ - ۸۹؛ نیل الاوطار، ۱۶/۲ - ۱۷). در غیر صبح: تکبیر (۴ بار)؛ شهادتین (۸ بار) (ترجیح آن است که هر کدام از شهادتین، ۲ بار آهسته و ۲ بار بلند خوانده شود. به این صورت: اشهد ان لا اله الا الله (۲ بار آهسته و ۲ بار بلند)؛ اشهد ان محمداً رسول الله (۲ بار آهسته و ۲ بار بلند) که جمعاً می شود: ۸ بار. الفقه عسی المذاهب الاربعة، ۳۱۲/۱)؛ حیّ علی الصلوة (۲ بار)؛ حیّ علی الفلاح (۲ بار)؛ الله اکبر (۲ بار)؛ لا اله الا الله (۱ بار). وی در اذان صبح علاوه بر ۱۹ فصل یاد شده، دو بار «تثویب» را اضافه نموده و تعداد فصول را به ۲۱ رسانده است.

مالکی، مانند شافعی، ترجیح (الخلاف، ۲۷۹/۱؛ المعنی، ۴۱۷/۱؛ سرخسی، المبسوط، ۱۲۹/۱؛ المجموع، ۹۳/۳؛ بداية المجتهد، ۸۸/۱ - ۸۹). را مستحب می داند، اما تکبیر در ابتدای اذان را ۲ بار گفته و تعداد فصول اذان را ۱۷ کلمه آورده است (الخلاف، ۲۷۹/۱؛ المعنی، ۴۱۶ - ۴۱۷).

احمد بن حنبل، گوید: اذان چه با ترجیح گفته شود و چه بدون ترجیح، عیبی ندارد «فلا یأس» (الخلاف، ۲۷۹/۱؛ کاشانی، بدائع الصنائع، ۱۴۷/۱ - ۱۴۸؛ سرخسی، المبسوط، ۱۲۹/۱). قاضی ابویوسف، در اذان، تکبیر را ۲ بار دانسته، و گفته: ترجیح مستحب نیست. وی تعداد کلمات اذان را ۱۳ کلمه می داند.

ابوحنیفه، فصول اذان را ۱۵ فصل دانسته و «ترجیح» (الخلاف، ۲۷۹/۱؛ المعنی، ۴۱۶ - ۴۱۷؛ سرخسی، المبسوط، ۱۲۹/۱؛ بداية المجتهد، ۸۸ - ۸۹) و «تثویب» را به عنوان اذان نیاورده است (ادوار فقه، ۱۵۷/۱، باورقی شماره ۱).

در باره معنای «تثویب»، بین فقهای اسلامی اتفاق نظر وجود ندارد. طبق قول شافعی، تثویب آن است که: پس از دعوت به نماز و پیش از اذان، ۲ بار «الصلوة خیر من النوم» گفته شود (الهدایة فی شرح البدایة، ۸۴/۱). به فتوای ابوحنیفه، تثویب در نماز صبح یعنی بین اذان و اقامه، دو بار «حیّ علی الصلوة» و «حیّ علی الفلاح» گفتن. وی این عمل را حسن می داند، زیرا وقت خواب و غفلت است. همو این عمل را در سایر نمازها مکروه می داند (همان، ۸۴/۱).

همچنین گفته شده: تثویب یعنی به جای «حیّ علی خیر العمل» در اذان صبح، ۲ بار «الصلوة خیر من النوم» گفته شود زیرا پیامبر اعظم (ص) به بلال حبشی دستور دادند که این عبارت را در اذان قرار دهد (المعیر، ۲/۱۲۲ - ۱۲۵). محقق حلی این روایت را قابل اعتماد و استناد نمی داند (الخلاف، ۲۸۴/۱، مسألة ۲۸).

اقامه :

بعد از اذان یا اعلام عمومی ، با گفتن اقامه ، خود را برای نماز خواندن آماده می نمایم . بنا به قول مشهور ، اقامه نیز مانند اذان در نمازهای واجب یومیّه ، سنّت مؤکّد است *نیل الاوطار* ، ۱۰/۲؛ *المجموع* ، ۸۲/۳ . یکی از فقهای اهل سنّت به نام عطا گوید : اگر مُصَلّی ، اقامه را فراموش کرد ، نماز را اعاده می نماید (پس مجموع فصول اذان و اقامه ، ۳۵ فصل است . امام باقر (ع) می فرماید : الاذان و الاقامة خمسة و ثلاثون حرفاً ، فعند ذلك بيده واحداً واحداً ، الاذان ثمانية عشر و الاقامة سبعة عشر حرفاً . نك : وسائل الشيعه ، ۴ / ۶۴۲ ، باب ۱۹ من ابواب الاذان و الاقامة (باب كَيْفِيَّةُ الاذان و الاقامة و عدد فصولها و جملة من احكامها) .

فصول و شعارهای اقامه :

فقهای امامیه، برای اقامه، ۱۷ فصل به شرح زیر آورده اند (*جوهر الكلام* ، ۹ / ۸۲ ؛ *الخلاص* ، ۱ / ۲۷۹ ، مسألة ۲۰) :
 الله اكبر (۲ بار) ؛ اشهدان لا اله الا الله (۲ بار) ؛ اشهدان محمداً رسول الله (۲ بار) ؛ حيّ على الصلوة (۲ بار) ؛
 حيّ على الفلاح (۲ بار) ؛ حيّ على خير العمل (۲ بار) ؛ قد قامت الصلوة (۲ بار) ؛ الله اكبر (۲ بار) ؛ لا اله الا الله (۱ بار) .

همانطور که ملاحظه می شود ترتیب فصول اقامه مانند اذان می باشد و در مقام مقایسه ، متوجّه می شویم که فرق اقامه با اذان ، در این است که از ۱۸ فصل اذان ، ۲ تکبیر از تکبیر اول و يك لا اله الا الله از آخر اذان حذف می شود ، و دو « قد قامت الصلوة » پس از « حيّ على خير العمل » ، اضافه می گردد (*الفقه على المذاهب الاربعه* ، ۱ / ۳۲۲ ؛ *الخلاص* ، ۱ / ۲۷۹ - ۲۸۰ ؛ *الفقه على المذاهب الخمسة* ، ص ۱۰۴) .

از نظر حنابله و شافعی ، اقامه ۱۱ کلمه دارد: الله اكبر (۲ بار) ؛ اشهد ان لا اله الا الله (۱ بار) ؛ اشهد ان محمداً رسول الله (۱ بار) ؛ حيّ على الصلوة (۱ بار) ؛ حيّ على الفلاح (۱ بار) ؛ قد قامت الصلوة (۲ بار) ؛ الله اكبر (۲ بار) ؛ لا اله الا الله (۱ بار) (*الخلاص* ، ۱ / ۲۸۰ ؛ سرخسی ، *المبسوط* ، ۱ / ۱۲۸ - ۱۲۹ ؛ *بدائع الصنائع* ، ۱ / ۱۶۷ - ۱۶۸ ؛ *نیل الاوطار* ، ۲ / ۴۲۲ ؛ *بدایة المجتهد* ، ۱ / ۸۹ ؛ ابن حزم ، *المُحَلّی* ، ۳ / ۱۵۳ ؛ *الفقه على المذاهب الاربعه* ، ۱ / ۳۲۲) .

از نظر ابوحنیفه ، فصول اقامه ، بیش از فصول اذان است . وی فصول اذان را ۱۵ و اقامه را ۱۷ فصل می داند . در تکبیر اول ، ۴ بار الله اكبر و بعد از « حيّ على الفلاح » ، « قد قامت الصلوة » را

۲ بار آورده است. مالکیت، فصول اقامه را ۱۰ فصل و غیر از تکبیر اول و آخر را که ۲ بار دانسته، بقیه فصل های اقامه را یک بار آورده است (همان، ۱/۳۲۲).

۴- تَكْتَفُ:

دست روی دست گذاشتن یا دست راست را روی دست چپ نهادن، اصطلاحاً «تَكْتَفُ» نامیده می شود. امامیه به جای تَكْتَفُ، واژه «تَكْفِير» (همان؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۱۱۱؛ شرح لمعه، ۱/۲۳۵؛ همدانی، مصباح الفقیه، کتاب الصلوة، ج ۲، ق ۲/۴۰۱. حاج آقا رضا همدانی، قول به کراهت را ترجیح داده و گوید: صدور حکم حرمت، مشکل است.) و اهل سنت، کلمه «قبض» را به کار می برند (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۸۴/۲، حدیث ۳۱۰. در برخی از کتب اهل سنت، حدیثی از حضرت علی (ع) در باره سنت بودن تَكْتَفُ آمده است. انصاری در این باره گوید: والله اعلم، این حدیث در غالب نسخه های سنن ابی داوود موجود نیست. نک: الهدایة، ۱/۹۶). شیعه امامیه در باره «تَكْتَفُ» سه قول دارد: ۱- اکثر فقهای امامیه، معتقدند که «تَكْتَفُ» مُبْطِل نماز است زیرا نصی از آیات و روایات در این زمینه وجود ندارد. شیخ طوسی گوید: «أفعال الصلوة یحتاج ثبوتها الی الشرع، و لیس فی الشرع ما یدل علی کون ذلك مشروعاً...» (رساله تدریس، ۱/۲۶۵؛ تحریب الوسیلة، ۱/۱۶۸؛ مبطلات الصلوة).

۱- تَكْتَفُ، حرام است، پس هر کس این کار را انجام دهد، گنہکار است ولیکن

نمازش باطل نیست.

۲- تَكْتَفُ، مکروه است نه حرام (شرح لمعه، ۱/۲۳۵).

محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق (ع) روایت کرده که: به امام (ع) عرض کردم: مردی در نماز، دست راستش را روی دست چپش می گذارد. امام (ع) فرمود: «ذلك التکفیر، فلا تفعل» (الخلاف، ۱/۳۲۱-۳۲۲؛ نووی، المجموع، ۳/۳۱۱-۳۱۲؛ نیل الاوطار، ۲/۲۰۱-۲۰۳).

امام خمینی از باب تقیه (تقیه مداراتی و برهیز از اختلاف) دست بسته نماز خواندن با اهل سنت را صحیح می داند و گوید: برای شرکت در جماعت اهل سنت، چنانچه شخص برای تقیه مطابق آنان ... دست بسته نماز بخواند، نمازش صحیح است و اعاده ندارد (همان، المعنی، ۱/۵۱۴-۵۱۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۱۰۹). در پاورقی شرح لمعه گوید: از نظر شیعه گاهی اوقات، تَكْتَفُ واجب است اما از نظر اهل سنت، سنت است البته آنان ملتزم و پایبند به این عمل هستند و اگر آن را ترک کنند متهم به تشیع می گردند (همان؛ الخلاف، ۱/۳۲۲؛ نیل الاوطار، ۲/۲۰۱ و ۲۰۴؛ المجموع، ۳/۳۱۲؛ المعنی، ۱/۵۱۴-۵۱۶).

شافعی و ابوحنیفه، تکتّف را سنت دانسته/شرح لمعه، ۱/ ۲۸۶-۲۸۸: الخلاف، ۱/ ۳۳۲، مسألة ۸۴؛ شرائع الاسلام، ۱/ ۷۳؛ جواهر الکلام، ۱۰/ ۲-۱۱؛ جامع عباسی، ص ۴۹. شیخ بهایی، آمین گفتن بعد از خواندن فاتحه را حرام می‌داند. وی در مورد بطلان یا عدم بطلان نماز در صورت گفتن آمین، نظری ابراز نکرده است، منتهی از نظر شافعی، تکتّف یعنی دست راست را بر روی دست چپ گذاشتن بالای ناف و زیر سینه، و از نظر ابوحنیفه، تکتّف برای مردان، زیر ناف و برای زنان، یعنی قرار دادن دستها روی سینه/شرح لمعه، ۱/ ۲۸۶-۲۸۸: الخلاف، ۱/ ۳۳۲، مسألة ۸۴؛ شرائع الاسلام، ۱/ ۷۳؛ جواهر الکلام، ۱۰/ ۲-۱۱؛ جامع عباسی، ص ۴۹. شیخ بهایی، آمین گفتن بعد از خواندن فاتحه را حرام می‌داند. وی در مورد بطلان یا عدم بطلان نماز در صورت گفتن آمین، نظری ابراز نکرده است. در این باره، از مالک دو روایت نقل شده است: در یک روایت، تکتّف را مستحب و در روایت دیگر، جایز می‌داند ولی گوید: در نمازهای واجب، رها کردن دو دست، مستحب است (شاید منظور صاحب جواهر، محقّق حنّی در کتاب شرایع باشد). احمد بن حنبل، تکتّف را برای زن و مرد، سنت می‌داند و گوید: افضل آن است که باطن دست راست را روی ظاهر دست چپ، زیر ناف، قرار دهند/جواهر الکلام، ۱۰/ ۲-۳).

* در هیچیک از مذاهب اربعه، تکتّف، واجب نیست.

۵- تأمین (آمین گفتن در نماز):

اکثر امامیه، آمین گفتن در نماز را قاطع و مبطل نماز می‌دانند چه آشکار و چه پنهان، چه در پایان حمد و چه قبل از آن، خواه برای امام و خواه برای مأوموم. برای اینکه آمین گفتن، جزء نماز نیست و «کلام الناس» محسوب می‌گردد (شرح لمعه، ۱/ ۲۸۶).

صاحب جواهر، ۱۰ صفحه از کتاب را با عنوان «فی عدم جواز قول «آمین» بعد الحمد»، به بحث آمین اختصاص داده و با استناد به قول فقها و روایات وارده در باب، به تفصیل در باره حرمت، بطلان و کراهت این مسأله سخن گفته و گوید: اگر چه برخی از فقها تحریر الوسیله، ۱/ ۱۷۲، با عبارت «لا یجوز» تعبیر کرده اند ولی حرمت و بطلان این مسأله، بین فقها مشهور است و نزدیک است که به حدّ اجماع برسد (علل الشرائع، ص ۳۵۸، باب ۷۴).

ناگفته نماند آمین گفتن از روی تقیه، مبطل نماز نیست بلکه جایز و گاهی اوقات واجب می‌باشد (المغنی، ۱/ ۵۲۹-۵۳۰؛ المجموع، ۳/ ۳۶۸-۳۷۰؛ مغنی المحتاج، ۱/ ۱۶۱-۱۶۲) امام خمینی نیز گوید:

بعد از اتمام فاتحه‌الکتاب، گفتن عمدی «آمین»، مُبطلِ نماز است مگر از روی تقیه (المعنی، ۵۲۹/۱، المجموع، ۳۷۳/۳؛ المحلی، ۲۶۴/۳).

در روایتی آمده که به جای آمین، الحمد لله رب العالمین گفته شود. زراره از امام باقر (ع) روایت می‌نماید که امام (ع) فرمود: «... ولا تُقْرَأَنَّ اذا فرغت من قرائتك آمین، فإن شئت قلت: الحمد لله رب العالمین» (الفقه علی المذاهب الاربعه، ۲۵۰/۱).

محمد حلبی گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: هرگاه از فاتحه‌الکتاب، فارغ می‌شوم، آمین می‌گویم، امام (ع) فرمود: «لا» (المجموع، ۳۷۳/۳؛ المحلی، ۲۶۴/۳؛ المعنی، ۵۲۹/۱).

احمد بن حنبل گوید: برای مأمومین، آمین گفتن به جهر، سنت است (المعنی، ۵۲۹/۱). شافعی، آمین گفتن را برای امام جماعت، پس از قرائت فاتحه‌الکتاب، به طور جهر، سنت دانسته است اما برای مأموم دو قول دارد: در قول قدیم گفته: مأموم بلند آمین بگوید. در رأی جدید گفته است: آهسته، آمین بگوید و خودش بشنود، کافی است (الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۱۱). ابوحنیفه گوید: امام جماعت، آن را به اخفا گوید. اما آمین گفتن به جهر برای مأموم، سنت نیست (الخلاف، ۱/۳۳۵، مسألة ۸۶؛ تحریر الوسیله، ۱/۱۴۹). به بیان دیگر از نظر ابوحنیفه، تأمین، چه در نمازهای جهری (صبح، مغرب و عشا) و چه در نمازهای سرّی (ظهر و عصر) باید آهسته خوانده شود (سَلار در کتاب المراسم به این قول تمایل نشان داده و علامه حلی این قول را به ابن جنید و شیخ طوسی در کتاب نهایی، نسبت داده است. نک: الخلاف، ۱/۳۳۶، باورقی شماره ۲).

از مالک، دو روایت نقل شده ۱- امام جماعت، آن را به اخفاء می‌خواند؛ ۲- امام، آمین نگوید (الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۰۹ و ۱۱۰). اهل سنت بر سنت تأمین، اتفاق نظر دارند و دلیل آنان، حدیث ابوهریره از حضرت رسول الله (ص) است که آن حضرت فرمودند: بعد از «لا الضّالین» بگویند: «آمین» (الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/۲۴۰). شیعه امامیه، این حدیث را صحیح نمی‌دانند (شرح لعمه، ۱/۲۷۵؛ تحریر الوسیله، ۱/۱۵۹؛ گرجی، مقالات حقوقی، ۲/۵۱؛ باورقی شماره ۱۲۷).

۶- قرائت سوره دیگری علاوه بر حمد

شیعیان عموماً در رکعت اوّل و دوم نمازهای واجب یومیّه، بعد از خواندن سوره حمد، سوره اخلاص (توحید) یعنی «قل هو الله» را می‌خوانند.

قول مشهور بین شیعه این است که در رکعت اول و دوم، علاوه بر سوره حمد، قرائت سوره دیگری واجب است و به کمتر از یک سوره دیگر نمی‌توان اکتفا نمود (مانند سید مرتضی، شیخ صدوق. نک: مصباح الفقہ، ج ۲، ق ۲ / ۲۵۱-۲۵۲). برخی از شیعیان قرائت سوره دیگر را مستحب می‌دانند (همان). مالکی، شافعی و حنبلی، قرائت سوره دیگری بعد از حمد را مستحب (شرح لمعه، ۱/ ۲۷۵) اما حنفی‌ها، ضمیمه نمودن سوره‌ای به فاتحه‌الکتاب را در رکعت اول و دوم، جزء واجبات نماز می‌دانند. طبق نظر اینان، به جای خواندن سوره، می‌توان به ۳ یا ۴ آیه کوچک یا یک آیه بزرگ که از نظر تعداد کلمات، تقریباً مماثل با کوتاهترین سوره قرآن است، اکتفا نمود (نک: الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/ ۲۳۴، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۱۱ و ۱۱۲).

۷- جلسه استراحت

جلسه استراحت و به تعبیر شهید ثانی «طمأنینه»، عبارت است از نشستن پس از سجده دوم از رکعت اول پیش از قیام و نیز نشستن پس از سجده دوم در نمازهای چهار رکعتی (المجموع، ۳/ ۴۴۳). شیعه، جلسه استراحت (طمأنینه) را جایز بلکه مستحب دانسته است. برخی از فقهای امامیه (مشکینی، اصطلاحات الاصول، ص ۶۶-۶۸؛ فیض، مبادئ فقه واصول، ص ۱۶۲). به وجوب این جلسه، فتوا داده اند (لسان العرب، ذیل ماده وقت، ۲/ ۷۳؛ جواهر الکلام، ۱۰/ ۲۵۲).

شهید ثانی فتوا به استحباب مؤکد داده و قول به وجوب را با لفظ «قیل» آورده است (برخی قائل به وجوب قنوت شده اند. نک: شرح لمعه، ۱/ ۲۸۳. در جواهر الکلام آمده: ابن بابویه گفته: «القنوت سنة واجبه، من ترکه عمداً أعاد...». نک: جواهر الکلام، ۱۰/ ۳۵۳. علی الظاهر مستند ابن بابویه، روایت امام صادق (ع) است که فرمود: «من ترک القنوت رغباً عنه، فلا صلاة له». نک: الکافی، ۳/ ۳۳۹، حدیث ۶، باب القنوت).

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه و الفقه علی المذاهب الخمسه، بطور صریح در باره جلسه استراحت سخن به میان نیامده و فقط به ذکر طمأنینه در رکوع و سجود، اکتفا شده است (شرح لمعه، ۱/ ۲۸۴؛ تحریر الوسیله، ۱/ ۱۶۵؛ الخلاف، ۱/ ۳۷۹، مسأله ۱۳۷. نماز جمعه، دو قنوت دارد که در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع، خوانده می‌شود. همان). اکثر فقهای اهل سنت، جلسه استراحت را جایز نمی‌دانند اما محیی الدین نووی (شافعی مذهب)، حکم به استحباب جلسه استراحت داده است (الکافی، ۳/ ۳۴۰، حدیث ۷).

نکته: یکی از مباحث علم اصول فقه، شبهه حکمیّه و جوییه، میان اقل و اکثر ارتباطی است.

نام دیگر این مسأله، «شک در جُزئیت شیء» می باشد. اکثر اصولیین در این مسأله، برائت جاری می کنند (بقره (۲) / ۲۰۱). مثلاً اگر شک کنیم که جلسه استراحت (نشستن بعد از سجده و قبل از برخاستن) جزء نماز است یا نه؟ طبق اصل برائت، جلسه استراحت را جزء نماز نمی دانیم. پس نماز بدون جلسه استراحت، صحیح است.

۸- قنوت

قنوت در لغت یعنی طاعت، سکون و دعا و در اصطلاح شرع یا متشرع، ذکر گفتن در حال مخصوص و بلند کردن دستها موازی صورت و به طرف آسمان است (شرح لمعه، ۱/ ۲۸۴؛ جواهر الکلام، ۱۰/ ۳۶۳).

اکثر فقهای امامیه، قنوت را مستحب می دانند (المجموع، ۳/ ۵۰۲-۵۰۴؛ سرخسی، المسوط، ۱/ ۱۶۵؛ الخلاف، ۱/ ۳۷۹، مسأله ۱۳۷) و گویند: مستحب است در رکعت دوم هر نماز (چه واجب و چه مستحب) بعد از قرائت حمد و سوره و قبل از رکوع، قنوت بخوانیم (همان، ۱/ ۳۸۰ و ۳۸۲؛ المحلی، ۴/ ۱۴۵-۱۴۶؛ بدایة المجتهد، ۱/ ۱۰۷-۱۰۸؛ المعنی، ۱/ ۷۸۴-۷۸۵؛ مسأله: یقنت فیها...). ابوحنیفه، خواندن دعای قنوت را در رکعت سوم نماز وتر، بعد از حمد و سوره و قبل از رکوع، واجب می داند. نک: الفقه المبشر، ص ۸۱) دلیل امامیه، حدیث ژراره از امام باقر (ع) است که فرمود: «القنوت فی کل صلاة فی الرکعة الثانیة قبل الرکوع» (بدایة المجتهد، ۱/ ۱۰۷-۱۰۸).

در قنوت می توان هر دعایی را خواند ولی نوعاً این را می خوانند:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (همان).

در برخی از کتب فقهی امامیه آمده است که بهتر است این دعا در قنوت خوانده شود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَأَعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (الخلاف

۱۰/ ۳۸۰؛ المجموع، ۳/ ۵۰۲-۵۰۴).

شافعی گوید: قنوت در نمازهای واجب، فقط در نماز صبح مستحب است آن هم بعد از رکوع

رکعت دوم اگر نماز گزار فراموش کرد، دو سجده سهو به جا می آورد (المعنی، ۱/ ۷۸۴-۷۸۸).

ابوحنیفه معتقد است قنوت فقط در نماز وتر در تمام سال، قبل از رکوع، سنت است. وی خواندن

قنوت در بقیه نمازها را مکروه می داند (جواهر الکلام، ۱۰/ ۲۶، مسأله ۵. همچنین نک: کنز العرفان، ۱/ ۱۱۹).

مالکی گوید: قنوت فقط در نماز صبح سنت است (تحریر الوسیلة، ۱/ ۱۵۲). از احمد بن حنبل به

صورت های مختلف، نقل شده است که به ۳ مورد آن اشاره می شود:

۱- قنوت فقط در نماز وتر جایز است (مقالات حقوقی، ۲/ ۲۹)؛ ۲- خواندن قنوت در نماز صبح ایرادی ندارد (الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۱۰۹)؛ ۳- اگر امام به خواندن قنوت آغاز کند مأمومین آسوده اند، اگر مأمومین هم با امام قنوت را بخوانند، عیبی ندارد (الخلاف، ۱/ ۳۳۷، سئالة ۸۸).

۹- تسبیحات اربعه

در کتاب جواهر الکلام آمده است: در رکعت سوم و چهارم از نمازهای واجب سه رکعتی و چهار رکعتی، خواندن سوره فاتحه الكتاب (حمد) واجب نیست، بلکه می توان ذکر تسبیحات اربعه (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله، والله اکبر) را گفت (سرخسی، المبسوط، ۱/ ۱۸؛ المعنی، ۱/ ۶۱۱-۶۱۴. ابوحنیفه، خواندن سوره فاتحه را در دو رکعت غیر متعین از فرض و در تمام رکعات نمازهای نفل و وتر، واجب می داند. نک: نور الايضاح، ص ۶۷). امام خمینی در تحریر الوسیله گوید: **يَتَخَيَّرُ فِيمَا عَدَا الرُّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنَ الْفَرِيضَةِ، بَيْنَ الذِّكْرِ وَالْفَاتِحَةِ** (همان، الأم، ۱/ ۱۳۱-۱۳۲، باب القران بعد أم القرآن). دکتر گرجی می نویسد: «در این مورد {اهل سنت، همه با شیعه مخالفند» (تحریر الوسیله، ۱/ ۱۳۵ و ۱۵۷؛ جواهر الکلام، ۱۰/ ۱۴۸؛ الزروضه البهیة، ۱/ ۲۲۶-۲۲۸). در برخی از کتب از قول ابوحنیفه آورده اند: در رکعت سوم نماز مغرب و رکعت سوم و چهارم نماز عصر و عشا، نماز گزار مخیر است بین قرائت سوره حمد یا تسبیح یا سکوت (همان، ۱/ ۲۲۷).

شیعه گوید اگر مُصلّی اختیار کرده که قرائت را بخواند، باید بر خواندن سوره حمد اکتفا کند و نباید سوره دیگری مانند اخلاص و... را بخواند (عِلل الشرائع، ص ۳۴۱، باب ۴۲). ابوحنیفه، خواندن سوره حمد را در رکعت سوم و چهارم واجب نمی داند (احمدی، السجود علی الارض، ص ۱۰۲). شافعی در این زمینه، دو قول دارد: در رأی قدیم خود، زیاد بر حمد را واجب نمی داند. وی در کتاب الأمّ، زیاده بر یک آیه یا بیشتر را مستحب دانسته در صورتی که نماز گزار، امام نباشد (وسائل الشیعه، ۶۰۸/۳).

۱۰- سجده بر زمین

شیعه، سجده را بر زمین و آنچه از زمین می روید، در صورتی که خوراکی و پوشاکی

نباشد مانند برگ درخت، چوب، کاغذ و غیره، جایز می دانند (الخلاف، ۳۵۷/۱، مسأله ۱۱۱). طبق نظر شیعه، سجده بر معادن جایز نیست اما سجده بر کاغذی که از پنبه یا کتان درست می شود، صحیح است (الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۹۹-۱۰۰).

امام جعفر صادق (ع) در حدیثی بعد از بیان علت و فلسفه حکم، می فرماید:
 «... و السجود علی الارض افضل لانه ابلغ فی التواضع والخضوع لله عز و جل» (همان).
 در کتاب السجود علی الارض، سجده بر مهر (تربت امام حسین (ع)) از اختصاصات شیعه امامیه و مستحب، شمرده شده است. مؤلف این کتاب تصریح می نماید که این عمل، به تبعیت از ائمه (ع) در تکریم امام حسین (ع) و تکریم تربت قبر آن حضرت می باشد (جوهر الکلام، ۲۴۵/۱۰-۲۴۶).

به مناسبت، حدیثی را در باره سجده بر تربت امام حسین (ع) بدون ترجمه می آوریم:
 «كان الصادق (ع) لا يسجد انا على تربة الحسين (ع) تدنأ لله و استكائة له» (جامع عباسی، ص ۵۳؛ تحریر الوسیله، ۱۶۳/۱. برای اطلاع از صیغه تشهد در مذاهب فقهی، نک: الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۲۳۶/۱-۲۳۷).

شیخ طوسی آورده است: فتوای اهل سنت در این مسأله، برخلاف فتوای شیعه است و آنان سجده بر پنبه، کتان، مو، پشم و غیره را جایز می دانند (همان، ص ۱۶۲؛ الخلاف، ۳۴۴/۱، مسأله ۱۲۱؛ جوهر الکلام، ۲۴۶/۱۰؛ شرح لعمه، ۲۷۶/۱). امامیه، سجده بر پنبه و کتان را در صورت ضرورت، جایز می داند (همان؛ المعنی، ۵۷۷/۱؛ المجموع، ۴۵۰/۳).

همچنین فقهای مذاهب، همگی بر صحت سجود بر زمین، اجماع دارند (همان؛ معنی المحتاج، ۱۷۴/۱؛ المعنی، ۵۷۷/۱-۵۸۱؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۲۴۶/۱).

۱۱- تشهد و صلوات در تشهد

تشهد در اصطلاح شرع، شهادت به توحید و رسالت حضرت محمد (ص) می باشد (همان؛ بدایه المجتهد، ۱۰۶/۱ (المسأله السابعة: اختلاف فی وجوب الشَّهْد...)).

در رکعت دوم نمازهای یومیه و رکعت سوم نماز مغرب و در رکعت چهارم نمازهای چهار رکعتی (نماز ظهر، عصر و عشا) قبل از سلام دادن، تشهد خوانده می شود.

عبارت تشهد که همان شعارهای اسلام است، طبق فتوای فقهای شیعه بدین شرح است:
 والحمد لله اشهد ان لا اله الا الله، وحده لا شريك له واشهد ان محمداً عبده ورسوله، اللهم صل على
 محمد وآل محمد (تحریر الوسیله، ۱/۱۶۳؛ جامع عتاسی، ص ۵۳؛ الخلاف، ۱/۳۶۵ و ۳۶۹، مسألة ۱۲۲ و ۱۲۸).
 شیعه امامیه، تشهد اول را مانند تشهد دوم واجب می داند (المغنی، ۱/۵۷۷-۵۸۱؛ المجموع، ۳/۴۶۷-
 ۴۶۸؛ الأم، ۱/۱۴۰-۱۴۱).

احمد بن حنبل نیز هر دو تشهد را واجب (الخلاف، ۱/۳۶۹، مسألة ۱۲۸؛ المغنی، ۱/۵۷۷-۵۸۱؛ الأم، ۱/
 ۱۴۰-۱۴۱؛ سرخسی، المبسوط، ۱/۲۹؛ مغنی المحتاج، ۱/۱۷۳؛ المجموع، ۳/۴۶۷). اما شافعی تشهد اول را
 مستحب و فقط تشهد دوم را واجب می داند (جواهر الکلام، ۱۰/۲۷۸؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/۲۳۷؛
 بدایه المجتهد، ۱/۱۰۷).

ابوحنیفه نیز تشهد دوم را واجب می داند اما مالکی، تشهد (حتی تشهد دوم) را سنت دانسته
 است (الخلاف، ۱/۳۷۶، مسألة ۱۳۴. همچنین شیخ مفید و علامه حلی، سلام دادن را مستحب می دانند. نک: الفقه علی
 المذاهب الخمسه، ص ۱۱۴؛ جواهر الکلام، ۱۰/۲۷۸).

شیعه، صلوات بر پیغمبر و آل پیامبر اسلام را در هر دو تشهد واجب می دانند (تحریر الوسیله، ۱/
 ۱۶۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۱۱۴-۱۱۵).

شافعی و احمد بن حنبل، صلوات را تنها در تشهد دوم، واجب می دانند. شافعی صلوات بر
 پیغمبر و آل محمد (ص) را در تشهد اول، واجب نمی داند و در یکی از دو قولش، آن را سنت
 دانسته و در قول دیگرش آن را سنت نمی داند (الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/۲۳۷).

مالک و ابوحنیفه، صلوات را در تشهد واجب نمی دانند (الفقه المیسر، ص ۸۱، ۸۷ و ۸۸).

۱۲- سلام (تسلیم)

سلام دادن در نمازهای دو رکعتی یا در رکعت سوم و چهارم از نمازهای سه رکعتی و چهار
 رکعتی، بعد از تشهد، صورت می گیرد.

اکثر فقهای امامیه، شافعیه و مالکیه و حنابله، سلام (تسلیم) را واجب دانسته و حنفیه آن را
 واجب نمی دانند (شئونی معنوی، دفتر دوم، ص ۴۵۴-۴۵۶. عنوان داستان: منازعت چهار کس جهت انگور که هر یکی به
 نام دیگر، فهم کرده بود آن را). شیخ طوسی، در کتاب الخلاف، سلام دادن در نماز را واجب نمی داند

و گوید: الاظهر من مذاهب اصحابنا ان التسليم في الصلاة مسنون، و ليس بركن ولا واجب (نفر در اینجا یعنی: آن ۴ نفر). برای سلام نماز، فقهای مذاهب نوعاً «السلام عليكم ورحمة الله» را به کار می برند. شیعه گوید: اگر نمازگزار عبارت «السلام علينا وعلی عباد الله الصالحین» را گفت، عبارت بعدی «السلام عليكم ورحمة الله و بركاته» مستحب است. اما اگر عبارت اول را نگفت و عبارت دوم را گفت، علی الظاهر دومی واجب است و همان مقدار، کفایت می کند. اما عبارت «السلام عليك ايها النبي ورحمة الله و بركاته» جزء سلام نیست و گفتن آن بعد از تشهد، مستحب است (در برخی از نسخه ها آمده: در تنازع مشت برهم می زدند). صیغه سلام نزد فقهای اهل سنت، لفظ «السلام» می باشد. حنبلی ها عبارت «السلام عليكم ورحمة الله» را به کار می برند (سرنام ما، یعنی: معنی و حقیقت الفاظ).

در نزد احناف، دو بار گفتن لفظ «السلام» واجب و گفتن «السلام عليكم ورحمة الله» سنت است (دل را بی دغل بسپارید، یعنی: با اعتقاد کامل به حرف گوش کنید).

خاتمه: اتحاد بین مذاهب اسلامی

مولوی، در دفتر دوم (اشاره است به آیه ۲۰۴ سوره اعراف (۷): «ولذا فرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لملككم لرحمون»)، داستان چهار مسکین (فارسی، رومی، عرب و ترک زبان) را می آورد که کنار یکدیگر نشسته بودند. رهگذری از کنار آنان عبور کرد و یک درهم به آنان داد تا با هم چیزی برای خود بخرند. اما بر سر این که، با این یک درهم چه چیزی را بخرند بین آنان اختلاف افتاد.

فارسی زبان گفت: یک درهم را بدهیم وانگور بخریم. مرد عرب گفت: معاذ الله، لا، من عنب خواهم نه انگور ای دغا. مرد ترک گفت: من اژم می خواهم. رومی گفت: من استاقیل می خواهم. کم کم اختلاف آنان بالا گرفت تا جایی که با هم درگیر شدند.

چار کس را داد مردی یک درهم آن یکی گفت: «این به انگوری دهم» ...
در تنازع آن نفر جنگی شدند که ز سرنام ها غافل بُدند
مشت بر هم می زدند از ابلهی پُر بُدند از جهل وز دانش تُهی
یک نفر دانا به هر ۴ زبان، از آنجا می گذشت چون آنان را در این حالت دید، آنان را آرام ساخت و بعد از شنیدن ماجرا، گفت: یک درهم را به من بدهید تا من خواسته شما ۴ نفر را

برآورده کنم.

پس بگفتی او که من زین یک درم
چونک بسیاری دل را بی دغل
آرزوی جملتان را می خرم
این درم تان می کند چندین عمل ...
پس شما خاموش باشید آنصتوا
تا زبان تان، من شوم درگفت وگو
با هم سوی مغازه میوه فروشی رفتند. رهگذر از آنان خواست که موقع خرید، کسی،
حرفی نزنند و او به جای آنان صحبت کند. آن مرد دانا، با یک درهم پول، مقداری انگور خرید
و بین آن ۴ نفر تقسیم کرد. وقتی همگی چشمشان به انگور افتاد، خوشحال شدند و تشکر کردند
و به زبان خود گفتند: این همان چیزی است که ما می خواستیم و متأسفانه زبان همدیگر را نمی
فهمیدیم و به خاطر همین جهل و نادانی، به جان هم افتادیم و ...
مولوی در ادامه داستان، حضرت سلیمان را به خاطر برقراری اتحاد بین جانداران، به
عنوان مصداق و شاهد تأثیر مردان حق، معرفی می نماید:

چون سلیمان، کز سوی حضرت بناخت
کو زبان جمله مرغان شناخت
در زمان عدلش، آهو با پلنگ
انس بگرفت و برون آمد ز جنگ
او میانجی شد میان دشمنان
اتحادی شد میان پرتزان
وی در ادامه به مردان حق، خطاب و توصیه می نماید که سلیمان وار با هم در صلح و
صفا و آرامش زندگی کنند:

مرغ جان ها را در این آخر زمان
نیست شان از همدگر یک دم امان
هم سلیمان هست اندر دؤر ما
کو دهد صلح و نماند جور ما
* آری اگر چه در این مقاله، پاره ای از مسایل اختلافی مذاهب خمس را در باره نماز
مورد بررسی قرار دادیم اما هدف ما چیزی جز آشنایی با نظرات فقهای مذاهب در موارد اختلافی
مسأله نماز و مآلاً اتحاد بین مسلمانان بویژه پژوهشگران و دانشجویان نیست.

وجود اختلاف در علوم بویژه علوم نظری، از جمله علم فقه، یک چیز طبیعی است و باعث
پیشرفت علوم می گردد، اما ما نباید اختلاف را دامن بزنیم بلکه باید با حسن نیت در صدد ایجاد
وحدت بین مسلمانان باشیم و به دور از تعصب و غرض ورزی، با لیبیک گفتن به دعوت تقریب (برخی
از دانشمندانی که در قرن اخیر جزء پشوانه و ارکان دعوت تقریب بودند، عبارتند از: علامه محمد تقی قمی (بنیانگذار تقریب)

؛ آیت الله بروجردی؛ شیخ محمود ثلثوت؛ آیت الله کاشف الغطاء؛ آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین موسوی؛ محمد محمد مدنی؛ شیخ مصطفی عبدالرزاق؛ شیخ عبدالمجید سلیم. برای توضیح بیشتر، نک: اسلام آیین همبستگی، ص ۲۲۷)، به ریسمان الهی چنگ بزیم و متفرق نشویم، و وحدت بین شیعه و سنی را از شعار به عمل تبدیل نمایم زیرا اگرچه در مذهب با هم اختلاف داریم اما خدا، دین، پیغمبر، کتاب (قرآن)، قبله، نماز، روزه، حج و ... ما مسلمانان یکی است. فی الواقع، حقیقت، یکی است.

أليس الصبحُ بقریب؟

فهرست منابع

* قرآن کریم.

- ابن حزم طاهری اندلسی، ابومحمد علی، **المختلی**، (۱۱ جلدی)، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابن رشد قرطبی اندلسی، معروف به ابن رشد حفید (مالکی مذهب)، ابوالولید محمد بن احمد، **بدایه المجتهد و نهایة المقتصد**، (۲ جلدی)، تحقیق: خالد العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ هجری = ۱۹۹۵ م.
- ابن قدامه مقدسی (حنبلی مذهب)، ابومحمد عبدالله بن احمد بن محمد، **المغنی**، (۱۲ جلدی)، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- ابن منظور افریقی مصری، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، (۱۵ جلدی)، بیروت، دارالطباعه و النشر، بی تا.
- احمدی، علی، **التسجود علی الارض**، چاپ دوم، قم، مؤسسه در راه حق، بی تا.
- امیرزاده، (دکتر) منصور، **درآمدی بر قواعد فقه و حقوق**، چاپ اول، مشهد، نیکو نشر، ۱۳۸۲.
- انصاری، محمد عبد الحی، **الهدایة فی شرح البدایة**، جلد اول، چاپ دوم، تریب جام، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۷۱.
- بارودی، عبدالله عمر، **برقی القمّاع**، ترجمه و تطبیق با فتاوی شیعه: غلامرضا عارف نژاد، پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: زنده یاد استاد کاظم مدیو شانه چی.
- بی آزار شیرازی، عبد الکریم (ترجمه و نگارش)، **اسلام آیین همبستگی**، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۵۴.
- (نگارش، ترجمه و توضیح)، **رسالة نوین**، (۴ جلدی)، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.

- جزیری، عبد الرحمن، **الفقه علی المذاهب الاربعة**، (۵ جلدی)، جلد اول، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ هـ = ۱۹۸۶ م.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، **صحاح اللغة**، (**الصحاح**، **تاج اللغة و صحاح العربیة**)، (۶ جلدی)، چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، ۱۴۰۷ هـ.
- سرخسی (حنفی مذهب)، شمس الدین، **المبسوط**، (۳۰ جلدی) بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ هـ.
- شافعی، محمد بن ادريس، **الأثر**، (۸ جلدی)، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ = ۱۹۸۳ م.
- شربینی خلیل (شافعی مذهب)، محمد، **معنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج**، (۴ جلدی)، مصر، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ هـ = ۱۹۵۸ م.
- شرنبلانی، شیخ حسن بن علی، **نور الايضاح**، کویت پاکستان، مکتبه الرئیديّة، بی تا.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، **نبیل الاوطار من احادیث سید الاخیار**، (۹ جلدی)، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
- شهابی، محمود، **ادوار فقه**، (۳ جلدی)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
- شیخ بهایی، بهاء الدین، جامع عیناسی، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، بی تا.
- شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، (۲۰ جلدی)، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، **عیل الشرائع**، قم، مکتبه الذّاوری، بی تا.
- -، **من لا یحضره الفقیه**، (۴ جلدی)، تحقیق: علی اکبر غفّاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ.
- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، (۱۰ جلدی)، چاپ چهارم، تحقیق: حسن خُرسان؛ تصحیح: محمد آخوندی؛ تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ = ۱۳۹۰ هـ.
- -، **النخلاف**، (۵ جلدی)، جلد اول، قم. مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ هـ.
- -، **المبسوط فی فقه الاماتية**، (۸ جلدی)، چاپ سوم، تحقیق: محمد تقی کشفی، تهران، مکتبه المرتضویة، ۱۳۸۷ هـ.
- شیخ کلینی رازی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، (۸ جلدی)، چاپ سوم، تحقیق: علی اکبر غفّاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ هـ.
- شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد نعمان، **المقنعة**، چاپ دوم، تحقیق: جامعه مدرسین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ هجری.

- شهید ثانی، شیخ زین الدین جبعی عاملی، **الرّوضة البهية في شرح اللمعة التمشقية** (معروف به شرح **لمعه**)، (۱۰ جلدی)، جلد اول، تصحیح و تعلیق: محمد کلانتر، بیروت، دار العالم الاسلامی، بی تا.
- طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، (۱۰ جلدی)، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ هـ.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، **تذکره الفقهاء**، (۱۰ جلدی)، چاپ اول، (چاپ جدید)، تحقیق و ناشر: قم؛ مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ.
- فاضل مقداد سیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، (۲ جلدی)، تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۴۳ = ۱۳۸۴ هـ.
- (امام) فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسیر الكبير**، (۳۲ جلد در ۱۶ مجلد)، جلد ۲۱-۲۲، چاپ چهارم، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ هـ.
- فیض، (دکتر) علیرضا، **مبایذی فقه و اصول**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- کاشانی، ملقب به «ملک العلماء» (حنفی مذهب)، ابوبکر بن مسعود، **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع**، (۷ جلدی)، چاپ اول، پاکستان، المکتبه الحبیبه، ۱۴۰۹ هـ = ۱۹۸۹ م.
- گرجی، (دکتر)، ابوالقاسم، **مقالات حقوقی**، (۲ جلدی)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- مالک بن انس، **الموطأ**، (۲ جلدی)، چاپ اول، تحقیق: محمد فزاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ هجری = ۱۹۸۵ م.
- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، (۴ جلدی)، چاپ سوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۹ هجری.
- **المعتبر فی شرح المختصر**، (۲ جلدی)، تحقیق: لجنة التحقیق؛ زیر نظر: آیت الله مکارم شیرازی، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۴.
- مشکینی، (آیت الله) حاج میرزا علی، **اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها**، چاپ چهارم، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۴۰۹ هـ = ۱۳۶۷ ش.
- معروف حسینی، هاشم، **تاریخ فقه جعفری**، ترجمه: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، تهران، انتشارات بدر، ۱۳۶۱.
- مغنیه، محمد جواد، **الفقه علی المذاهب الخمسه**، چاپ هفتم، بی جا، ۱۴۰۲ هـ = ۱۹۸۲ م.
- موسوی خمینی، (آیت الله) سید روح الله، **تحریر الوسیله**، (۲ جلدی) جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ = ۱۳۶۵.

- مولوی ، جلال الدین محمد بلخی ، **مثنوی معنوی** ، جلد اول ، تصحیح : رینولد آلین نیگلسون ، بی جا ، بی تا .
- نجفی (معروف به صاحب جواهر) ، شیخ محمد حسن ، **جواهر الکلام فی شرح شوائع الاسلام** ، (۴۳ جلدی) ، چاپ هفتم ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، بی تا .
- ندوی ، شفیق الرحمان ، **الفقه المیسر علی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفه النعمان (قسم العبادات)** ، چاپ اول ، زاهدان ، انتشارات عزیز ی ، ۱۳۶۹ .
- نووی (شافعی مذهب) ، محی الدین ابن شرف ، **المجموع فی شرح المهدب** ، (۲۰ جلدی) ، بی جا ، دارالفکر ، بی تا .
- همدانی ، حاج آقا رضا ، **مصباح الفقیه** ، (۵ جلدی) ، جلد دوم ، قسمت اول و دوم ، مکتبه الصدر ، چاپ سنگی .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرو بشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی